# همسایگی؛ کنش عقلانی معطوف به بیشینه‌سازی حداکثری منافع ملی ایران

فرشید فرهادی؛ پژوهشگر مرکز آینده‌پژوهی جهان اسلام




## مقدمه

جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین رسالت فراملی انقلاب اسلامی خود را استکبارستیزی تعریف کرده است. ارزش‌ها و آرمان‌های منتج از این رسالت فراملی انقلاب اسلامی ایران در میان واحدهای منطقه‌ای خاورمیانه، مقبولیت زیادی در میان عامهٔ مردم پیدا کرد. به همین دلیل، دولت‌های محافظه‌کار منطقه و قدرت‌های مداخله‌گر فرامنطقه‌ای، سیاست مقابله و مهار را برای جلوگیری از سرایت آن در دستورکار خود قرار دادند. چنین شرایطی سبب شد بلافاصله انقلاب اسلامی ایران مورد تهدید و خطر تهاجم واقع شود؛ به همان سان که از فردای ۱۷۸۹ پادشاهی‌های محافظه‌کار اروپایی به‌رهبری مترنیخ[1] سیاست انزوای انقلاب فرانسه را در پیش گرفتند. پیامد چنین سیاستی تحمیل هفت مرحله تهاجم نظامی گسترده از ۱۷۸۹ تا ۱۸۰۲ از سوی ائتلاف پادشاهی‌های اروپایی علیه انقلاب فرانسه بود.

اگر در اروپای قرن ۱۸، مترنیخ ابتکارعمل را برای مقابله با انقلاب فرانسه بر عهده داشت، در خاورمیانه از ۱۹۷۹ امریکا چنین نقشی را بر عهده گرفته است؛ چراکه از دیدگاه ایالات متحده، این کشور و متحدان منطقه‌ای آن شدیداً در معرض تهدیدهای ناشی از انقلاب اسلامی ایران هستند که حوزهٔ نفوذ امریکا را در خاورمیانه مورد چالش اساسی قرار داده است. در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران همواره در چهار دههٔ گذشته آماج تهدید از سوی جهان غرب به‌رهبری امریکا و متحدان محافظه‌کار منطقه‌ای این کشور بوده است. امریکا به‌عنوان قدرت هژمونیک جهانی همواره در طول چهار دههٔ گذشته کوشیده است با تکیه بر توان خود در عرصه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، حصر ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری و ژئواکونومیکی را بر

1. Clemens von Metternich

انقلاب اسلامی ایران تحمیل کند.

شرایط ساختاری یادشده سبب شده است جمهوری اسلامی ایران زیر فشار شدید ساختاری قرار گیرد. این مهم حتی در طول چند سال گذشته ذیل عنوان کارزار فشار حداکثری به منتها علیه خود رسیده است. باید گفت مهم‌ترین پیامد این فشار ساختاری برای جمهوری اسلامی ایران در آیندهٔ نزدیک، تهدید انزوای سیاسی و اقتصادی است؛ موضوعی که به نظر می‌رسد در شرایط حال حاضر، بیش از هر زمانی، به واقعیت و عینیت نزدیک شده است. تحریم‌های اقتصادی بی‌سابقه در شدیدترین و پیچیده‌ترین شکل خود، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را در انزوای کامل قرار داده است. در سطح منطقه‌ای نیز روندهایی مانند عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی، ایدهٔ ناتوی عربی و مطرح‌شدن ایدهٔ حضور ناتوی غربی در خاورمیانه و شکننده‌بودن ثبات سیاسی معدود متحدان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، بیش از گذشته، تهدید انزوای سیاسی را برجسته کرده است. شرایط یادشده منتج به این مسئلهٔ اساسی و ضروری شده است که راه برون‌رفت از این تهدید حصرمانند چیست.

## همسایگی در تئوری

هدف اساسی راهبرد سیاست همسایگی، بسط دامنهٔ تأثیرگذاری یک واحد سیاسی در محیط منطقه‌ای از طریق تثبیت و توسعهٔ هوشمندانه، راهبردی و برنامه‌ریزی‌شدهٔ روابط خارجی و دفاعی در مرزهای پیرامونی است. در این چارچوب، واحد موردنظر، روابط منطقه‌ای خود را فراتر از چارچوبِ صرف فیزیکی در تعریف مرزهای منطقه‌ای هوشمندانه گسترش خواهد داد؛ برای مثال، در تعریف سنّتی از همسایه‌بودن، جمهوری اسلامی ایران دارای هفت همسایه با مجاورت فیزیکی است؛ اما در رهیافت همسایگی، ایران واحدی با پانزده همسایه در محیط راهبردی خاورمیانه است. در این چارچوب، دامنهٔ قدرت و تأثیرگذاری ژئوپلیتیکی، ژئوکالچری و ژئواکونومیکی یک کشور است که دامنهٔ تأثیرگذاری آن را در محیط پیرامون ترسیم می‌کند. درست به همین دلیل است که صرفاً واحدهای برخوردار از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری می‌توانند سیاست همسایگی را سرلوحهٔ الگوی رفتاری خود در سطح منطقه‌ای قرار دهند. به‌عبارت روشن، دولت‌هایی قادر به اتخاذ رویکرد همسایگی هستند که از پشتوانهٔ غنی و قوی فرهنگی و ارزشی و همین طور، برجستگی ژئوپلیتیکی در محیط منطقه‌ای خود برخوردار باشند. آنها باید نسبت به دولت‌های دیگر منطقهٔ موردنظر، نوعی مرجعیت فرهنگی، ارزشی، تمدنی و ژئوپلیتیکی داشته باشند.

با این تعریف، در سطح خاورمیانه، تنها جمهوری اسلامی ایران و نهایتاً ترکیه هستند که می‌توانند با تکیه بر موقعیت ممتاز خود چنین راهبردی را در بازی‌های راهبردی منطقه‌ای اتخاذ کنند. حال این پرسش را می‌توان مطرح کرد که آیا می‌توان با تکیه بر این راهبرد بر تهدید ناشی از حصر و انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران غلبه کرد.

## همسایگی در عمل

در پاسخ باید گفت جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر منزلت برجستهٔ ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری خود می‌تواند با پیشه‌کردن راهبرد همسایگی با ترمیم الگوی معیوب و ناقص روابط خود در خاورمیانه با گسترش الگوی روابط، ایجاد کانال‌های

ارتباطی، پیوندها و اتصال‌های راهبردی با ایجاد و گسترش الگوی وابستگی حساس، وزن و منزلت خود را عمق بیشتری بخشد؛ به این صورت که جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان واحد کانونی، گستره‌ای از کانال‌های ارتباطی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در سطح منطقه ایجاد خواهد کرد که برآیند آن، شکل‌گیری وابستگی حساس بر مدار جمهوری اسلامی ایران است. از این طریق می‌توان با کنترل جریان‌های ارتباطی، وزن و منزلت جمهوری اسلامی ایران نزد همسایگان را به‌نحوی عمق بخشید که به‌راحتی از سوی آنها نادیده گرفته نشود.

جمهوری اسلامی ایران یگانه واحد منطقه‌ای در خاورمیانه است که توانایی عملیاتی‌کردن چنین الگویی را در راستای سامان‌بخشیدن به نظم منطقه‌ای در راستای منافع خود دارد. برجستگی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و برخورداری از موقعیت کانونی، مزیتی راهبردی است که باید از آن در راستای دستیابی به چنین هدفی استفاده کرد.

## ایران، کانون جریان‌های ارتباطی

در شرایط حاضر، با وجود همهٔ فشارها، جمهوری اسلامی ایران فرصت و موقعیت قراردادن خود به‌عنوان کانون جریان‌های ارتباطی در خاورمیانه را دارد. ایران از جمله کشورهایی است که در طول تاریخ، این فرصت را در اختیار داشته است؛ لیکن استفادهٔ راهبردی از آن نکرده است. در پنج حوزهٔ زمینی، هوایی، دریایی، الکترونیکی، انتقال دیتا و سیالات (داده، آب و انرژی)، ایران در بین همسایگان، کشورهای منطقه و نظام‌های میان‌قاره‌ای «موقعیت کانونی و مرکزی» دارد. از طریق فراهم‌نمودن بسترهای اتصال شبکه‌های حمل‌ونقل زمینی و دریایی (از جنوب و شمال)، هوایی، شبکه‌های انتقال سیالات (انرژی، گاز، نفت، آب) و شبکه‌های انتقال دیتا از فضای جغرافیایی ایران، امکان وابسته‌کردن کشورهای این سه حلقه، به‌خصوص همسایگان، به فضای ملی ایران میسر می‌گردد؛ به‌ویژه، اتصال به شبکهٔ ارتباطی گسترده با چین در قالب طرح «یک کمربند-یک راه» از ضروریات خلق چنین هدف راهبردی برای ایران در آینده است. در این رابطه، برخی از کشورهای همسایه، مانند افغانستان، وابستگی حیاتی به فضای جغرافیایی ایران دارند. برخی نیز که دارای مسیرهای جایگزین بوده و وابستگی کامل به آن ندارند، با فضای جغرافیایی کشور وابستگی تعاملی دارند، یعنی به‌نوعی مجبورند از فضای ایران عبور کنند.

## عمق‌بخشی به منزلت راهبردی جمهوری اسلامی ایران

همان گونه که گفته شد، ایران در میان سه نظام توسعه‌یافتهٔ میان‌قاره‌ای قرار دارد: نظام اروپا، نظام شرق آسیا و نظام جنوب شرق آسیا. این سه نظام با همدیگر کنش و واکنش‌های متعدد مجازی (انتقال داده) و فیزیکی دارند. حداقل در شبکهٔ ارتباط هوایی، موقعیت جغرافیایی ایران می‌تواند به‌مثابهٔ مرکز ارتباط یا هاب هواییِ این سه نظام جغرافیایی عمل کند که این ظرفیت تا حد زیادی بلاتکلیف مانده یا مورد بهره‌برداری رقبای ژئوپلیتیکی ایران (ترکیه، امارات، پاکستان، قطر و...) قرار گرفته است. ظرفیت‌های ارتباطی ایران می‌تواند موجب عبور بسیاری از شبکه‌های ارتباط بین‌قاره‌ای از فضای کشور شود و به وابسته‌کردن دیگران به فضای جغرافیایی و شبکه‌های ارتباطی ایران منجر شود.

در واقع، اساس سیاست همسایگی موفق، ایجاد وابستگی بیشترِ اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و دفاعی همسایگان به ایران

است. هرچه رشته‌های گره‌خوردهٔ همسایگان به ایران بیشتر باشد، وابستگی آن‌ها به این کشور بیشتر بوده، بی‌اعتنایی دیگران به آن کمتر و در نتیجه، فشار ساختاری بر آن کمتر است. کنترل و مقابله با ایرانی که حلقه‌های وابستگی کمتری به همسایگان و نظام منطقه‌ای دارد، برای امریکا به‌مراتب راحت‌تر از عکس چنین موضوعی است. به‌تعبیر روشن‌تر، اگر الگوریتم روابط ایران با همسایگان بر پایهٔ وابستگی حساس باشد، تحریم آن به‌سادگی میسر نخواهد بود. ایران در طول چهار دههٔ گذشته، وابستگی گسترده‌ای به نفت و درآمدهای حاصل از آن داشته است. ایالات متحده نیز با آگاهی از این موضوع، تمرکز خود را بر تحریم گستردهٔ نفتی ایران قرار داده است؛ موضوعی که اقتصاد ایران را با چالش‌های گسترده‌ای روبه‌رو کرده است.

جمهوری اسلامی ایران باید وزن و برجستگی ژئوپلیتیکی خود را نزد همسایگان بالا ببرد؛ به صورتی که آنها به‌سادگی نتوانند در بازی‌های راهبردی منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران را نادیده بگیرند. اینکه روسیه در برهه‌های تاریخی مختلف به‌راحتی ایران را نادیده گرفته و اینکه کشورهای همسایه در برابر تحریم ایران صرفاً و نهایتاً مواضع اعتراضی اعلامی اتخاذ می‌کنند، به این موضوع مهم برمی‌گردد که در حال حاضر، وزن و اهمیت ژئواکونومیکی ایران برای آنها پایین است. به‌عبارت روشن، کنارگذاشتن ایران برای آنها هزینه‌ای ندارد. حال اگر ایران در اقتصاد کشورهای همسایه حضور فعال و گسترده‌ای داشته باشد، قطعاً نادیده‌گرفتن ایران برای آنها هزینهٔ گزافی خواهد داشت؛ موضوعی که سبب دورشدن آنها از مدار فشار ساختاری اِعمالی از سوی امریکا خواهد شد.

درپیش‌گرفتن این راهبرد، نقش مهمی در جلوگیری از حصر و انزوای ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در شرایط اِعمال فشارهای ساختاری از سوی امریکا دارد؛ چراکه از طریق راهبرد همسایگی می‌توان به میزان زیادی از نقش منفی امریکا در اِعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران کاست. مهم‌ترین کارکردهای راهبرد همسایگی در راستای کاهش نقش منفی قدرت‌های جهانی در محیط منطقه‌ای خاورمیانه عبارت‌اند از:

- تغییر و تحول برداشت‌ها و تصورات دولت‌های منطقه‌ای نسبت به یکدیگر و سپس اعتمادسازی در بین آنها و سپس ایجاد بسترهای مشارکت‌طلبی منطقه‌ای؛
- پیش‌بینی‌پذیری الگوی رفتار واحدهای منطقه‌ای؛
- درک دغدغه‌ها و نیازهای امنیتی سایر کشورهای منطقه، به‌خصوص کشورهای کوچک و شروع همکاری با آنها؛ چراکه این گروه از واحدها به‌دلیل معمای امنیتی، همواره، به‌دنبال اتحاد و مشارکت منفی با قدرت‌های جهانی در راستای تأمین امنیت خود هستند؛
- تلاش برای تولید ارزش‌ها و منافع مشترک، حداکثرسازی نقاط مشترک و در سوی مقابل، حداقل‌سازی یا کم‌رنگ‌کردن نقاط افتراق و اختلاف؛
- تلاش برای کاهش رقابت و ازمیان‌بردن زمینه‌های آن؛
- افزایش و تعمیق همکاری‌های امنیتی درون‌منطقه‌ای؛

- شکل‌دهی به ساختارهای امنیت منطقه‌ای بر پایهٔ قواعد و الگوریتم‌های برخاسته از سیاست همسایگی؛
- مدیریت بحران‌ها توسط واحدهای منطقه‌ای؛
- تلاش برای جلب رضایت منطقه‌ای و ایجاد نظم مشترک در راستای تأمین منافع مشترک همهٔ اعضا.

با نگاهی راهبردی در پرتو سیاست همسایگی، بستر محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران برای گسترش چنین الگوهایی از روابط و وابستگی کشورهای پیرامونی به ایران کاملاً فراهم است. ابعاد این وابستگی، گسترش ارتباطات حمل‌ونقلی و حوزهٔ زمینی، هوایی، دریایی، الکترونیکی، انتقال دیتا و سیالات است که حتماً باید مدنظر تصمیم‌سازان حوزهٔ سیاست خارجی و سیاست دفاعی کشور قرار گیرد.

## گسترهٔ همسایگی ایران

### ترکیه و شامات

در بین همسایگان جمهوری اسلامی ایران، ترکیه تنها کشوری است که توانایی ایجاد چالش اساسی علیه منافع جمهوری اسلامی ایران را در منطقه دارد. این موضوع به‌دلیل توانمندی‌های دفاعی، فرهنگی و اقتصادی ترکیه است. جمهوری اسلامی ایران باید به‌جای تمرکز بر ایجاد همکاری راهبردی با ترکیه به‌سمت همراهی راهبردی و شکل‌دهی به الگوی وابستگی با این کشور سوق پیدا کند.

مسئلهٔ سوریه، ذهنیت بازی با حاصل‌جمع صفر، تروریسم در سوریه، آیندهٔ بشار اسد، قانون اساسی سوریه، آیندهٔ کردهای سوریه، سدسازی‌ها، ادامهٔ حضور روسیه در سوریه و فشارهای ناشی از امریکا از جمله مسائلی است که سبب تضعیف پیوندهای راهبردی میان ایران و ترکیه شده است. متأثر از این شرایط، حجم روابط تجاری دو کشور در دو سه سال اخیر به‌شدت در حال کاهش بوده است؛ در حالی که حجم مراودات دو کشور در سال ۲۰۱۹، ۵میلیارد دلار بوده است. در سال ۲۰۲۰، به‌دلیل بحران‌های ناشی از کرونا، به‌صفررسیدن صادرات نفت ایران، خراب‌کاری گروه‌های پ.ک.ک در خط‌لولهٔ گازی، پایین‌آمدن قیمت انرژی، رفتن ترکیه به‌سمت ال‌ان‌جی و در نهایت، تحریم‌های امریکا سبب شد حجم مراودات تجاری ترکیه و ایران به کمتر از ۲میلیارد دلار برسد.

جمهوری اسلامی ایران باید به‌سمت تقویت و گسترش پیوند راهبردی و ایجاد وابستگی با ترکیه برود. راهکار نیز مکانیسم‌هایی مانند تولید کالاهای مشترک با ترکیه برای بازارهای عراق، سوریه، قطر و سایر کشورهاست. چنین شرایطی علاوه بر استفاده از ظرفیت‌های دو کشور، سبب افزایش پیوندهای راهبردی دو کشور نیز خواهد شد. گسترش همکاری با ترکیه، بیش از هرچیزی، نیازمند پیوندهای راهبردی و نزدیکی بیشترِ دو کشور است. پیوندهای تجاری در راستای ایجاد کالاهای مشترک از مهم‌ترین راهکارها برای پیوند و نزدیکی بیشترِ دو کشور است. باید این موضوع مهم را مدنظر قرار داد که هرگونه نزدیکی و همکاری با ترکیه نیازمند گذر از کانال‌های ژئواکونومیکی است، نه ژئوپلیتیکی. چنین شرایطی علاوه بر اینکه از نقش منفی ترکیه در رقابت‌های منطقه‌ای با ایران خواهد کاست، سبب افزایش وابستگی این کشور به ایران و آسیب‌پذیری این کشور در برابر ایران در

معادلهٔ بازدارندگی منطقه‌ای خواهد شد.

## آسیای مرکزی

جمهوری اسلامی ایران بیش از دو دهه است که در حال تلاش برای ورود به ترتیبات امنیتی آسیای مرکزی مانند سازمان همکاری شانگهای با هدف برقرارکردن موازنه در برابر نفوذ امریکا و ناتو در منطقه است؛ اما تلاش‌های ایران معطوف به رایزنی‌های دیپلماتیک بوده است؛ در حالی که پیش‌شرط اساسی برای ورود ایران به ترتیبات امنیت منطقه‌ای در آسیای مرکزی، ایجاد اتصالات و پیوندهای راهبردی با کشورهای این منطقه است. جمهوری اسلامی باید وزن و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکنومیکی خود را برای کشورهای منطقه به حدی رساند که آنها حاضر به تعریف جایگاه برای ایران در مناسبات امنیتی و اقتصادی خود در منطقه باشند؛ به‌نحوی که نادیده‌گرفتن ایران برای آنها دارای هزینه باشد. با این اوصاف باید گفت ما در حال حاضر از منظر تعاملات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی از جایگاه مناسبی در بین کشورهای منطقه برخوردار نیستیم.

## قفقاز

در حوزهٔ قفقاز، دربارهٔ گرجستان، ارمنستان و آذربایجان، به‌عنوان همسایگان شمالی، راهی نیست جز آنکه این کشورها ذیل گروه بزرگ‌ترِ قفقاز و آسیای مرکزی نگریسته شوند و در قالب سیاست یکپارچهٔ منطقه‌ای، با آنها برخورد شود؛ چراکه مقتضیات این نقطهٔ جغرافیایی به‌گونه‌ای است که لازم است برای داشتن سیاست راهبردی موفق در قبال آن، نگاه منطقه‌ای به آن وجود داشته باشد. سه کشور همسایهٔ قفقاز شامل روسیه، ترکیه و ایران هستند؛ اما ایران تنها کشوری است که با هر سه کشور ارمنستان، آذربایجان و گرجستان رابطه دارد و این فرصت مغتنمی برای کشور است. روابط میان ترکیه و ارمنستان، و روابط گرجستان و روسیه سال‌هاست که قطع شده و تنها ایران است که چنین موقعیت مناسب و روابط خوبی با هر سه کشور دارد و می‌تواند و حتی ضروری است که با هوشمندی، رویکرد منطقه‌ای ۳+۱ در قبال این حوزه اتخاذ کند، هر سهٔ آنها را در یک قالب ببیند و از مزایای پیوند راهبردی با آنها بهره ببرد. این نکته‌ای است که کشورهای اروپایی به‌خوبی دریافته‌اند و سه کشور قفقار را در قالب یک کل می‌نگرند؛ برای مثال، مقامات اروپایی در زمان سفر به قفقاز از هر سهٔ این کشورها دیدار به عمل می‌آورند؛ چراکه برای مثال، سفر به ارمنستان باعث حساسیت و واکنش آذربایجان نشود.

به‌طور کلی، گسترش چنین شرایطی در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر راهبرد همسایگی با گسترش منطق وابستگی حساس در تاروپود واحدهای منطقه‌ای سبب ایجاد فرصت برای جمهوری اسلامی ایران در راستای کاهش فشارهای ساختاری به‌رهبری امریکا خواهد شد. برای مثال، در طول چند سال گذشته، با وجود کارزار فشار حداکثری، عراق در ارتباط با تحریم‌های ایران، همواره، مشمول معافیت بوده است. علت این موضوع نیز بیش از هر چیزی، فعال‌بودن کانال‌های ارتباطی ایران در عراق و وابستگی انرژی این کشور به ایران بوده است. حتی شرایطی را می‌توان در نظر گرفت که هرگاه دولت عراق (و سایر دولت‌های منطقه) سیاست خصمانه‌ای بخواهد علیه جمهوری اسلامی ایران در پیش گیرد، می‌توان با قطع جریان‌های ارتباطی برق و گاز و...، آنها را از اقدام موردنظر منصرف کرد. از سوی دیگر در چند سال گذشته، بندر چابهار نیز یگانه کریدور

آبی ایران بوده است که مشمول تحریم‌های امریکا نشده است. علت این موضوع نیز وابستگی افغانستان به‌دلیل محاط‌بودن این کشور در خشکی به بندر چابهار است. باید اقداماتی همانند کریدور ریلی خواف-هرات و شلمچه-بصره در راستای ایجاد پیوندهای راهبردی با همسایگان از سوی جمهوری اسلامی ایران در دستورکار قرار گیرد. چنین اقداماتی علاوه بر آنکه عایدات اقتصادی گسترده‌ای برای ایران در بر دارد، در مرحلهٔ بعد، امکان ایجاد وابستگی در بین واحدهای منطقه‌ای با محوریت جمهوری اسلامی ایران و امکان ایجاد بازدارندگی در راستای مقابله با فشارهای ساختاری امریکا را نیز فراهم خواهد کرد.

## کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس

کشورهای کوچک عرب این منطقه ظرفیت‌های مناسبی برای همکاری و تعمیق روابط با ایران دارند. همهٔ این کشورها به‌دلیل اقلیم خشک خود واردکنندگان عمدهٔ مواد غذایی هستند. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان کشوری برخوردار از اقلیم متنوع، پتانسیل بسیار خوبی برای تأمین مواد غذایی این کشورها دارد. این در حالی است که به‌دلیل بی‌توجهی به کیفیت و مسائلی مانند تبلیغات و بسته‌بندی، رقبایی مانند ترکیه فضا را برای مانور ایران تنگ کرده‌اند.

با وجود اقدامات منفی عربستان سعودی علیه ایران در میان این کشورها، آنها پذیرای سیادت عربستان بر خود نیستند و همواره به‌دنبال قدرتی موازنه‌بخش در مقابل زیاده‌خواهی‌های عربستان هستند. ایران کشوری است که از قابلیت توازن‌بخشی برای کشورهای کوچک عربی در مقابل عربستان سعودی برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران باید با در دستورکار قرار دادن دیپلماسی فعال و با ایجاد اعتماد، از ایران‌هراسی در میان این کشورها جلوگیری کند. ایران‌هراسی عبری-غربی سبب پیوستن این کشورها به ائتلاف‌های ضدّایرانی خواهد شد.

## جمع‌بندی

جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دههٔ گذشته، آماج گستردهٔ فشار ساختاری جهانی به‌رهبری امریکا بوده است. هیچ کشوری همانند ایران، تا بدین اندازه، تحت‌فشار تحریم‌های اقتصادی و فشار سیاسی و دفاعی قرار نداشته است؛ فشاری که در چند سال گذشته، به‌طرز بی‌سابقه‌ای، افزایش پیدا کرده است. گرچه احیای توافق هسته‌ای، تا حدی، سبب کاهش فشار ساختاری خواهد شد، عمق اختلاف و تخاصم به‌حدی است که نمی‌توان دورنمای روشنی را در این زمینه مشاهده کرد. به‌تعبیر دقیق‌تر، به‌دلیل ماهیت انقلاب اسلامی ایران و مانایی هویت انقلابی آن می‌توان چنین استنباط کرد که چنین فشاری تداوم خواهد داشت؛ اما باید چه کرد؟ ملموس‌بودن افزایش فشار ساختاری بر ایران، بیش از هر چیزی، به تک‌بُعدی‌بودن اقتصاد کشور برمی‌گردد. وابستگی گستردهٔ اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی به پاشنه‌آشیل تبدیل شده است. راه برون‌رفت نیز دوری از چنین شرایطی است. در مرحلهٔ نخست باید اقتصاد کشور را با گسست اساسی روبه‌رو کرد. باید از نفت یک بار برای همیشه دوری کرد، فرصتی که تحریم‌ها نیز آن را فراهم آورده‌اند. در مرحلهٔ بعد باید بر همسایگان تمرکز کرد. باید با گسترش و رونق تولید، حلقه‌های پیوند با همسایگان را ایجاد کرد. افزایش حلقه‌های پیوند سبب افزایش منزلت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران خواهد شد؛ موضوعی که همچون سپری سترگ در مقابل فشارهای ساختاری به‌رهبری امریکا از ایران محافظت خواهد کرد.